



آینده‌نگری و بازدارندگی

دکتر فرهاد درویشی

۱. در جهانی که نظم و نظام بین‌المللی خاصی بر آن حاکم نیست و هر کشوری خودخواهانه به دنبال منافع خویش است، یکی از مسائلی که همواره بایستی ذهن دولتمردان و سیاستگذاران ما را به خود مشغول سازد، طراحی استراتژی آینده کشور است. گرچه آینده را نمی‌توان کاملاً پیش‌بینی کرد اما در عین حال، تلاش برای مطالعه و بررسی مسائل آینده، بسیار بهتر از منتظر وقوع آینده نامعلوم ماندن است. بر همین اساس است که اکثر نظام‌های سیاسی سعی می‌کنند تا با طراحی یک استراتژی بلندمدت (۲۰ ساله، ۳۰ ساله و ...) دورنمای منافع و اهداف خود را ترسیم نموده و تمامی برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات بعدی خویش را، در جهت رسیدن به آنها تنظیم کنند.

در جمهوری اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۸۳ سند چشم‌انداز ۲۰ ساله از سوی مراجع ذیصلاح تهیه، تدوین و به تصویب مقام معظم رهبری رسید. تصویب این سند که حاکی از عزم رهبری و سیاستگذاران کشور به آینده‌نگری و نظام‌مند نگریستن به مسائل در عرصه‌های مختلف بود، امیدواری فراوانی را در آحاد جامعه و خصوصاً مراکز آکادمیک و علمی کشور به وجود آورد. امیدواری به اینکه از این پس، همه استراتژی‌ها، برنامه‌ها، سیاست‌ها و طرح‌ها، به گونه‌ای تعریف و طراحی شده و به مرحله اجرا درآیند که ایران را سال به سال به اهداف مندرج در سند چشم‌انداز، نزدیک و نزدیک‌تر سازند.

ارزیابی درباره اینکه امیدواری مذکور تا چه اندازه در سطح نظام سیاستگذاری در عرصه‌های مختلف کشور عملیاتی شده، در حوصله این مقاله نیست اما در عرصه نظامی و دفاعی، از آنجا که به نظر می‌رسد که شاه‌بیت استراتژی‌ها، برنامه‌ها، سیاست‌ها و طرح‌ها در چهارچوب و قالب بازدارندگی تعریف شده است، پرداختن به مقوله بازدارندگی و الزامات آن خالی از فایده نخواهد بود.

۲. روزهای پایانی تابستان هر سال یادآور آغاز جنگ عراق علیه ایران در سال ۱۳۵۹ است. جنگ هشت ساله مذکور هر چند خالق حماسه‌ها و از خودگذشتگی‌هایی بود که در تاریخ ملت ایران بی‌نظیر و یا حداقل کم‌نظیر بود اما نباید فراموش کرد که علاوه بر آن، خسارات و لطمات فراوانی را اعم از منابع انسانی و مادی نیز بر جامعه ایران وارد کرد که علیرغم گذشت ۲۰ سال از پایان جنگ، زخم‌های ناشی از آن هنوز التیام نیافته است.

یکی از مهمترین درس‌هایی که می‌توان از جنگ‌ها به طور اعم و جنگ رژیم بعثی عراق علیه ایران بطور اخص فرا گرفت، این نکته اساسی است که چگونه می‌توان از وقوع یک جنگ ناخواسته جلوگیری به عمل آورد. اینکه نیروهای مسلح کشور همواره باید با پیش‌بینی بدترین وضعیت، خود را برای مقابله دشمن و یا دشمنان احتمالی آماده سازند و از حداکثر آمادگی برای مقابله با تهدیدات احتمالی برخوردار باشند، امری کاملاً منطقی و عقلایی است و ملت بزرگ

ایران و نیروهای مسلح آن نیز نشان داده اند آنگاه که چاره ای جز جنگیدن ندارند، از هیچ کوششی برای دفاع از خاک و حیثیت خویش فروگذار نمی کنند.

با این وجود، التفات به این دو نکته ضروری است که اولاً چگونگی می توان از عملی شدن تهدید دشمن ممانعت به عمل آورد و ثانیاً در صورت ناتوانی در برحذر داشتن دشمن از آغاز حمله به ایران، چگونگی می توان از وارد شدن خسارات فراوان به کشور کاسته و هزینه های دشمن را نسبت به دستاوردهایش افزایش داد. پاسخ به هر دو پرسش فوق، البته دارای ماهیتی سیاسی - نظامی است با این تفاوت که در اولی سیاست و در دومی نظامی گری غلبه دارد. کشوری که حاکمیت صلح و آرامش در سطح بین المللی و منطقه ای را بیش از جنگ و ناآرامی تأمین کننده منافع خود می داند، لزوماً به اتخاذ استراتژی ای مبادرت می ورزد که هدف اساسی آن منتفی ساختن و یا حداقل کاهش احتمال وقوع جنگ علیه خود است. در ادبیات استراتژیک و نظامی، این استراتژی، بازدارندگی^۱ نامیده می شود. متأسفانه به میزان رواج این مفهوم در سطح جامعه، به نظر می رسد که درک درستی از معنا و مفهوم واقعی این مفهوم و ابعاد آن، حتی در میان نخبگان تحصیل کرده کشور نیز وجود ندارد.

اگر مراد از مفهوم بازدارندگی، جلوگیری از وقوع تجاوز و جنگ باشد، زمانی می توان بهتر درباره آن اندیشید و به طراحی آن مبادرت ورزید که درک و تحلیل صحیحی از جنگ و علل وقوع آن وجود داشته باشد زیرا وقوع جنگ و جلوگیری از وقوع آن، دو روی یک سکه هستند. به عبارت دیگر، اگر وقوع جنگ را معلول عواملی معین و یا ترکیبی از عوامل و متغیرهای مشخص بدانیم، هر گونه تلاش برای جلوگیری از آن نیز، بایستی دقیقاً به همان عوامل و متغیرها معطوف باشد.

بر این اساس، سیاستگذاران ارشد نظام اگر در شرایط کنونی، استراتژی بازدارندگی را مناسب ترین گزینه برای کشور می دانند، برای توفیق این استراتژی، لاجرم باید صورتبندی دقیقی از عوامل و متغیرهای موثر در وقوع یک جنگ احتمالی علیه کشور داشته باشند. به عبارت دیگر، بایستی برای خود دقیقاً روشن سازند که از دیدگاه آنان، در چه شرایطی و بر اساس چه عواملی، احتمال می دهند که جنگی علیه ایران به وقوع بپیوندد زیرا تنها از طریق جلوگیری از شکل گیری آن عوامل و یا ممانعت به عمل آوردن از ترکیب آن عوامل است که می توان از وقوع جنگ جلوگیری کرد. پذیرش گزاره های فوق به این معناست که به تعداد نظریات موجود در باره علل وقوع جنگ احتمالی در آینده علیه ایران، می توان استراتژی های بازدارندگی را، با مکانیزم های مختلف، طراحی کرده و به مرحله اجرا درآورد. بدیهی است که هر چقدر در بین سیاستگذاران و تصمیم سازان اصلی کشور در این زمینه اتفاق و اجماع نظر بیشتری وجود داشته باشد، طراحی و اجرای استراتژی بازدارندگی با سهولت بیشتری امکانپذیر خواهد بود و این ممکن نیست مگر اینکه سیاستگذاران مذکور بیش از اینکه متکی به برداشت ها و ذهنیات فردی خویش باشند، به تجزیه و تحلیل های کارشناسانه مبتنی بر اطلاعات واقعی، باور داشته و آنها را مبنای تصمیم سازی خویش قرار دهند. یادداشت حاضر در این شماره کوشید تا به اختصار، نکاتی را درباره ضرورت و اهمیت تأمل درباره مفهوم بازدارندگی، بیان نماید. شرح و تفصیل مطلب را انشاءالله در شماره آتی فصلنامه پی خواهیم گرفت.

نگین ۲۵ در یک نگاه

در این شماره فصلنامه نگین ایران، بخش های قبلی مجله مطالب خاص خودشان را دارند. در بخش مقالات چهار مقاله درج شده است که مقاله نخست به ابعاد حقوقی جنگ ها می پردازد و می کوشد مسأله تعارض اجرای حقوق بشردوستانه در منازعات مسلحانه و ضرورت های نظامی را از ابعاد گوناگون بشکافد. پیشگیری و یا به حداقل ممکن رساندن ضایعات و تلفات انسانی و مالی جنگ ها مهمترین و اصلی ترین هدف حقوق مخاصمات مسلحانه است. در حالی که ضرورت های نظامی پایان یافتن زودتر جنگ ها را توجیه و اصول بشردوستانه شیوه های نبرد و جنگیدن متخاصمین را محدود می کند. سه مقاله بعد به مسایل مربوط به جنگ ایران و عراق می پردازند. مقاله دوم که حاصل

1. Deterrence

تحقیقات میدانی گسترده در مورد نسل عراقی درگیر در جنگ‌های این کشور با ایران، کویت و آمریکا است، علاوه بر بررسی عوامل انگیزشی مردم عراق برای شرکت در این جنگ‌ها به آسیب‌شناسی استراتژی رژیم بعث برای در صحنه نگه داشتن نیروهای درگیر در جنگ و موقعیت این نیروها پس از پایان جنگ پرداخته است. استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ‌های جهانی اول و دوم و بکارگیری گسترده این سلاح از سوی عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران و خود مردم عراق در مقاله سوم مورد بحث قرار گرفته است. آخرین مقاله به بازتاب وقایع دوره زمینه‌سازی جنگ ایران و عراق در مطبوعات جهان می‌پردازد و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا و تجزیه و تحلیل آماری داده‌های بدست آمده، واکنش آنها را در قبال وقایع و رویدادهای این دوره ترسیم می‌کند.

پرونده ویژه این شماره فصلنامه نگین ایران به عملیات رمضان اختصاص دارد. عملیات رمضان یکی از مهمترین عملیات‌های دوران جنگ و جداکننده دو مقطع تاریخی در راهبردهای نظامی دو کشور ایران و عراق بود. به همین دلیل این عملیات مورد توجه مورخین و تحلیل‌گران جنگ ایران و عراق بوده و هست. در مورد این عملیات مطالب زیادی تاکنون به رشته تحریر درآمده و منتشر شده است. با وجود این، ناگفته‌های زیادی در خصوص این عملیات وجود دارد. بخشی از ناگفته‌های این عملیات در گفتگوی اختصاصی فصلنامه با فرمانده سپاه پاسداران در آن زمان، دکتر محسن رضایی، تشریح شده است.

در بخش نوآوری و ابتکارات، دو موضوع مورد توجه قرار گرفته است؛ مورد اول در ارتباط با پرونده ویژه این شماره است و به عملیات رمضان و درس‌های استراتژیک آن در نزد نیروهای نظامی ایران می‌پردازد. بن بست در این عملیات به دنبال موفقیت‌های اولیه آن نقش اساسی در گرایش فرماندهان سپاه به اجرای عملیات‌های بعدی در منطقه هور داشت. آنها با مشاهده وضعیت به وجود آمده در این عملیات کوشیدند از آن درس لازم را گرفته و به اجرای موفقیت‌آمیز عملیات دیگر در این منطقه اقدام کنند. اجرای عملیات خیبر و بدر در منطقه جزایر مجنون از نتایج عملیات رمضان بود. اگر بن بست در عملیات رمضان در شرق بصره در سطح عملیاتی به طرح ریزی دو عملیات مهم ایران در منطقه هور منجر شد، در سطح تاکتیکی به نوآوری جدیدی انجامید که در عملیات‌های بعدی در انهدام نیروهای زرهی دشمن نقش قابل ملاحظه‌ای ایفا کرد. نوآوری تاکتیکی ایران تشکیل تیم‌های شکار تانک بود که سند مزبور چگونگی آن را توضیح می‌دهد.

در بخش اسناد که به طور کامل به عملیات رمضان اختصاص یافته است، ده سند ارائه شده است. در این بخش تلاش شده است که مراحل مختلف عملیات رمضان با استفاده از اسناد و گزارش‌های موجود تشریح شود. مطلب نخست با اشاره به مراحل گوناگون عملیات، تصویری اجمالی از کلیت عملیات در اختیار خواننده قرار داده و یادآور می‌شود که ایران برای تأمین اهداف نظامی خود باید در روش‌های نظامی تغییر ایجاد کند. عملیات رمضان آغاز ورود ایران به خاک عراق بود و عملاً مرحله‌ای جدید در جنگ ایران و عراق محسوب می‌شد. دلایل انجام عملیات و ورود ایران به خاک عراق در مقاله آقای لطف‌الله زادگان تشریح شده است. عملیات رمضان در مراحل پنجگانه خود موفق به تأمین اهداف نشد و این موضوع می‌توانست در روحیه نیروهای رزومنده تأثیر منفی بگذارد. محسن رضایی در یک آسیب‌شناسانه در جمع فرماندهان و نیروهای رزومنده سعی دارد از بروز ناامیدی در میان رزمندگان جلوگیری کرده و آنها را به شناخت بهتر و انجام اقدامات موفقیت‌آمیز تشویق نماید.

عملیات رمضان همانند همه عملیات‌های دیگر از منظر نیروهای دشمن نیز قابل بررسی و ارزیابی است. اقدامات عراق در این عملیات نقش اساسی در جلوگیری از موفقیت رزمندگان ایران داشت. دو سند بعدی به تحلیل عراق از عملیات رمضان و اقدامات تاکتیکی آن در جلوگیری از پیشروی نیروهای ایرانی اختصاص دارد. سند نخست به درس‌های عراق از عملیات رمضان می‌پردازد که توسط ارتش عراق تهیه شده و برای استفاده از نکات آموزنده آن در اختیار یگان‌های ارتش عراق قرار گرفته است. سند دوم گزارش معاونت اطلاعات عملیات قرارگاه نصر از تاکتیک عراق در ایجاد موانع و مثلی‌ها در منطقه عملیاتی رمضان است که در عمل نقش مهمی در عدم موفقیت نیروهای ایرانی

داشت. در کنار عراق سازمان منافقین نیز در گزارشی درون گروهی به تحلیل عملیات رمضان می پردازد که نوشته بعدی این مجموعه است.

دفتر برنامه ریزی، نظارت و ارزشیابی ستاد مرکزی سپاه در طول جنگ وظیفه بررسی عملکردهای رزمی سپاه را بر عهده داشت. گزارش نظارتی این واحد از عملکرد تیپ ۳۱ عاشورا در عملیات رمضان سند دیگری است که می تواند بخش دیگر از این عملیات را برای خواننده روشن سازد. عملیات رمضان به شیوه آماری نیز قابل ارزیابی است که در سند بعد به آن پرداخته شده است. و بالاخره آخرین سند این بخش به یک سند عراقی اختصاص دارد که میزان شناخت عراق از نیروهای رزمنده بسیجی و سپاهی ایران را در آستانه عملیات رمضان نشان می دهد.

در بخش با راویان مرکز اسناد دفاع مقدس، گزارشی از عملکرد قرارگاه فجر در عملیات رمضان آمده است که بلافاصله بعد از عملیات توسط شهید محمد گرکانی تهیه شده است.

طبق رویه سابق در بخش روزشمار مواضع کشورها و حوادث و رویدادهای مهم جنگ در حوزه های مختلف نظامی و سیاسی در سطوح مختلف داخلی، منطقه ای و بین المللی مورد توجه قرار گرفته و به اطلاع می رسد. در این شماره وقایع مقطع زمینه سازی شروع جنگ تابستان ۱۳۵۹ ارائه شده است.

بخش نقد و معرفی کتاب به بررسی آثار منتشر شده در حوزه جنگ ایران و عراق می پردازد. در این شماره کتابی با عنوان "رابطه مسموم" مورد بررسی قرار گرفته است که کمک های آمریکا به عراق در زمینه سلاح های شیمیایی و بمباران شهر حلبچه را مورد ارزیابی قرار می دهد.

در بخش اطلاع رسانی نیز گزارش نشست نقد و بررسی کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" به خوانندگان ارائه می شود. کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" که یکی از کتاب های مهم منتشر شده از سوی مرکز اسناد دفاع مقدس است، به وقایع خرمشهر در آغاز حمله عراق به ایران در سال ۱۳۵۹ و مقاومت مردم و زرمندگان این شهر در برابر ارتش عراق می پردازد.